

بی‌مهری سینما به خانواده سالم

خانواده‌ها چه جایگاهی در سینمای ایران دارند؟ آیا فیلمسازان، تهیه‌کننده‌ها و سازمان و نهادهای سینمایی به خانواده‌ها بجز ظرفیت بالقوه پرکردن سالن‌های سینما...

خانواده‌ها چه جایگاهی در سینمای ایران دارند؟ آیا فیلمسازان، تهیه‌کننده‌ها و سازمان و نهادهای سینمایی به خانواده‌ها بجز ظرفیت بالقوه پرکردن سالن‌های سینما و فروش بیشتر فیلم‌ها و رونق گیشه، نگاه دیگری هم دارند؟ آیا بجز سرگرم کردن آنها که از ضرورت‌های عرصه سینما و البته روحیه دادن به مردم است، در بحث تقویت بنیان خانواده‌ها هم به مدیوم تاثیرگذار سینما می‌اندیشند.

بدون نیاز به آمار و ارقام و نظر و تحلیل کارشناسان حوزه‌های مختلف اجتماعی و فقط با نگاهی سرسری به محیط پیرامون، می‌توان به وضعیت نگران‌کننده خانواده‌ها اشاره کرد؛ خانواده‌هایی که به دلایل مختلف از ریشه‌ها دور شده‌اند و کمتر نشانی از همبستگی و مهربانی و عشق‌ورزی گذشته در آن وجود دارد. این انتظار می‌رود که سینما از تاثیرگذاری‌اش، برای رفع این معضل بهره بگیرد.

سینما باید بتواند با عناصر مهمی که در اختیار دارد، علاوه بر رسالت طرح معضلات و مشکلات، مردم و خانواده‌ها را به زندگی سالم با تکیه بر سبک نجات بخش زندگی ایرانی - اسلامی که همواره مورد تاکید رهبری است، تشویق کند. تلاش‌های هزارگانه برخی کارگردان‌ها طبیعتاً راهی به جریانی مستمر و موثر پیدا نمی‌کند و نیاز است در اتاق فکرهایی با حضور سینماگران، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه خانواده‌ها، بهای بیشتری داده شود و شاهد خروجی هنرمندانه‌ای از آنها در قالب فیلمنامه و فیلم‌هایی تاثیرگذار باشیم.

روزنامه جام‌جم در گفت‌وگو با پوران درخشنده که بتازگی ساخت فیلمی به نام «زیر سقف دودی» با موضوع طلاق عاطفی و بحران خانواده را با حضور بازیگرانی چون فرهاد اصلانی و مریلا زارعی، پشت سرگذاشت و قصد دارد آن را به جشنواره فیلم فجر امسال برساند و دکتر حسن بنیانیان، رئیس پیشین حوزه هنری که نظرات صائبی در این خصوص دارد، تلاش کرده نگاهی به لزوم پرداختن سینما به موضوع مهم خانواده داشته باشد.

نقش مهم سینما در سبک زندگی

پوران درخشنده، نویسنده و کارگردان دغدغه‌مند سینما همواره توجه ویژه‌ای به خانواده داشته است. او به جام‌جم گفت: «طلاق عاطفی»، موضوعی که من آن را در فیلم جدیدم «زیر سقف دودی» مطرح می‌کنم، بحث اصلی جامعه ماست. متأسفانه الگوهای مثل پدر و مادرها در درون خانواده تبدیل به الگوهای دیگری می‌شوند که اتفاقاً ضدخانواده عمل می‌کنند. درحالی که خانواده و پدر و مادرها، باید بهترین الگو برای بچه‌ها باشند. فرزند، زندگی را از پدر و مادرش یاد می‌گیرد و با نگاه کردن به رفتار و گفتار آنها قد می‌کشد. اگر خانواده الگوی خوبی برای او نباشد، به بیرون از خانه می‌رود و ممکن است بر اثر دیدن رفتارهای ناپسندی اصلاً ضدبنیان خانواده تبدیل شود. الان در کنار خانواده، یک زندگی موازی جریان دارد که دستاوردهای خوبی نخواهد داشت. این اتفاق چیز کوچکی نیست و باید تحلیل و بررسی شود.

کارگردان «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» ادامه داد: زیر سقف خانه‌ها، خانواده‌هایی در حال شکل گرفتن هستند که هیچ کدام از فاکتورها و قواعد سنتی را رعایت نمی‌کنند. لزوم توجه به فرهنگسازی و مسائل تربیتی واقعاً در این خصوص حس می‌شود. آن اتفاق‌هایی که باید برای خانواده ایرانی بیفتد، رخ نداده و خانواده‌ها و بویژه فرزندان، خودشان را مغبون احساس می‌کنند.

درخشنده ضمن تاکید این نکته که خانواده باید جایی امن و امین برای اعضای آن باشد، افزود: وقتی از خانواده حرف می‌زنیم، به سقفی اشاره داریم که زیر آن آرامش وجود داشته باشد. خانواده باید جایی باشد که فرد در آن حرف‌های خود را بزند، راه و روش و مهارت‌های زندگی بیاموزد و شخصیت او شکل بگیرد. همین افراد قرار است در آینده، در جایگاه پدر و مادر، الگوهای افرادی دیگر شوند، اما وقتی خود الگوها، دچار مشکل و معضل هستند و با هم رابطه خوبی ندارند و چیزی به نام مهرورزی درون خانواده نیست، بنابراین جایگاهی برای فرزندان باقی نمی‌ماند که بتوانند به آن تکیه کنند.

کارگردان «رویای خیس» گفت: من سعی کرده‌ام در آثارم از جمله همین فیلم «زیر سقف دودی» به چرایی این مساله بپردازم. یکی از دلایل فقدان یا کم‌رنگ شدن مهرورزی این است که شرایط زندگی نسبت به گذشته تغییر کرد. الان پدر و مادرها آن‌طوری زندگی نمی‌کنند که پدران و مادران نسل‌های گذشته زندگی می‌کردند. دوره مدرنیته همه چیز را تغییر داده است و خانواده‌ای که اعضای آن همه چیز را در آنجا جست‌وجو می‌کردند، تبدیل به خانواده‌ای شده که دیگر بسیاری از قواعد سنتی را

رعایت نمی‌کنند و شکل زندگی جدید، باعث شد حتی غذا پختن و غذا خوردن خانواده، دیگر آن معنای قدیم را نداشته باشد. اگر هم باشد، همه چیز در سطح برگزار می‌شود. فرصت‌های با هم بودن خیلی کم شده است.

درخشنده در ادامه بیان کرد: اینقدر به دلیل وجود شبکه‌های مختلف و فضای مجازی، سبک‌های زندگی مختلف وارد کشور شده که دیگر آن سبک زندگی دوست‌داشتنی قدیم وجود ندارد. در چنین شرایطی ما هم دیگر آن آدم قدیم نیستیم و نه الگوی درستی داریم و نه می‌توانیم الگوی مناسبی برای دیگران باشیم. برای همین نسل جوان تلاش می‌کند خودش بیرون از خانواده، راهی برای خودش پیدا کند؛ راهی پرخطر که با آزمون و خطاهای بسیاری همراه خواهد بود.

او ادامه داد: معتقدم انسان باید ضمن حرکت با جریان‌ات و تغییر و تحولات روز، خانواده خود را هم براساس سبک زندگی اصیل حفظ کند و تناسب خوبی میان این سبک و فضای روز، ایجاد نماید. متأسفانه پدر و مادرها خیلی از بچه‌هایشان عقب افتاده‌اند و حرفی برای گفتن به فرزندان خود ندارند. در چنین وضعیتی بچه‌ها ترجیح می‌دهند چنین الگوهایی را برای خود انتخاب نکنند.

تعهد، لازمه پرداختن به موضوع بنیان خانواده

دکتر حسن بنیان‌یان ریشه اصلی این بی‌اعتنایی به خانواده را به سینمای پیش از انقلاب دانست و به جام‌جم گفت: با توجه به تجربه‌ای که در حوزه هنری داشتم و آن هشت سالی که درگیر کار سینما شدم، یکی از دلایل این مساله را به شکل ورود سینما به ایران در دوران قبل از انقلاب می‌دانم. سینما یکی از محل‌های گذراندن اوقات فراغت بود و چون بیشتر فیلم‌ها از خارج از کشور می‌آمد، جاذبه‌های بصری آن و موارد دیگر برای اقناع هیجان و نیازهای غریزی جوانان بود. بنابراین فرهنگی را در فضای سینما شکل داد که همچنان و با وجود پیروزی انقلاب اسلامی در سینمای ما استمرار دارد. ما کار جدی برای تعویض این فرهنگ نکردیم.

رئیس پیشین حوزه هنری درباره دلایل این اتفاق هم توضیح داد: هنرمند جماعت بیش از این‌که به حاکمیت و کارفرما وصل باشد، می‌خواهد نظر مخاطب را جلب کند. مخاطب هم در سینمای ما توده مردم نیست، بلکه یک قشر خاصی هستند که ساعات خاصی از هفته برای تفریح به سینما می‌روند، علاوه بر بسیاری از افراد که وارد سینما می‌شوند بیشتر دنبال مطرح کردن خودشان هستند و کمتر انگیزه سالم سازی فرهنگ را دارند. البته انسان‌های سالم و دغدغه‌مندی هم در این زمینه فعالیت می‌کنند. بنابراین کمتر پیش می‌آید که کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، سرمایه‌گذار و بازیگران متعهدی دورهم جمع شوند و فیلمی متعهدانه و دغدغه‌مندانه بسازند که هم مخاطب داشته باشد و هم به فکر تقویت بنیان خانواده و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد. گاهی هم که فیلم‌های خوبی در این رابطه ساخته می‌شود، استثناست و غالب نیست. بنابراین امید بستن به این سینمای موجود پاسخگوی ما نیست.

بنیان‌یان ادامه داد: این‌که چطور می‌شود از هنر و صنعت سینما در راستای اهداف خودمان و تقویت بنیان خانواده‌ها استفاده کنیم، باید مجموع اقدامات به هم وابسته‌ای را انجام دهیم. اول این‌که کنار مساجد و مدارس که در دل محلات است، سالن‌های کوچک نمایش با کیفیت بسازیم که ابتدا به ساکن، خانواده‌ها به صورت ارزان‌قیمت و با پیاده‌روی چند دقیقه‌ای به آن سینمای محلی برسند و بتوانند در کنار هم فیلم ببینند. مساله دوم این‌که این فیلم‌ها و این حرکت خانوادگی - سینمایی مورد حمایت رسانه ملی هم قرار بگیرد. سوم این‌که جایی مثل حوزه هنری که رسالت اولیه‌اش هم برهمین اساس است، درخصوص تحکیم بنیان خانواده، فیلمنامه‌نویس تربیت کند. فیلمنامه‌نویسی که خودش جوان است و تجربه تشکیل زندگی و اداره خانواده را ندارد، براحتی نمی‌تواند فیلمنامه‌ای درباره تقویت بنیان خانواده بنویسد. بجز علم و دانش، تجربه زندگی هم نیاز است.

او افزود: بجز حوزه هنری، از نهادهایی مثل ارشاد و دیگر سازمان‌ها و حتی نهادهای مردمی هم انتظار می‌رود به این موضوع بپردازند. کارهایی هم باید به صورت مردمی انجام شود. مثلاً می‌توان بخشی از هزینه‌های فیلمی را که درباره تقویت بنیان خانواده‌ها ساخته می‌شود نهادهای مردمی پرداخت کنند و خیرین فیلمسازانی را که در این زمینه فیلم می‌سازند تشویق کنند. این باعث می‌شود یک جریان‌سازی مردمی صورت بگیرد، ضمن این‌که باید تمرکززدایی کرد، همه چیز در این رابطه را محدود به پایتخت نکرد و از ظرفیت‌های عظیم استان‌ها و شهرستان‌ها هم استفاده کرد، مثل اتفاقی که برای جشنواره مردمی عمار در بعد انقلاب افتاده است. روحانیون خوش‌فکر اهل هنر هم می‌توانند نقش موثری در این خصوص داشته باشند. توجه به خانواده‌ها یکی از کارکردهای سینماست و سینما می‌تواند به مباحث مهم دیگر جامعه مثل اقتصاد مقاومتی و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی هم بپردازد و تاثیرگذار باشد. سینمای ملی ما این ظرفیت را دارد که بجز توجه به موضوع خانواده، تامین‌کننده نیاز سینمایی کشورهای اسلامی و منطقه هم باشد.

شناسایی فیلمسازان دغدغه‌مند

درخشنده معتقد است: سینما رسانه‌ای قدرتمند و به‌روز است و می‌تواند نقش مهم و موثری در بهبود این وضعیت داشته باشد. سینما می‌تواند درست و بدون واسطه حرفش را به مردم بزند. سینما در کنار توجه به وجه سرگرم‌کنندگی، باید تاثیرگذار و پیام‌رسان هم باشد، اما الان می‌بینیم که بیشتر فیلم‌ها در شکل و شمایل دیگری تعریف می‌شوند و کمتر به این مساله توجه می‌کنند، چون ما خط قرمزهایی داریم که به نظرم باید هنگام بحث درباره خانواده، برداشته شود. البته این فقط یک بخش قضیه است و خود فیلمسازها هم باید بیش از اینها به خانواده بها دهند و تعریف درستی از خانواده در فیلم‌ها ارائه کنند. ما فیلم برای کودک می‌سازیم، بدون این‌که روان‌شناسی کودک را بشناسیم. ما پسر و دخترمان را برای ازدواج مهیا می‌کنیم، بدون این‌که به آنها آگاهی داده باشیم و یا خیلی از مهارت‌ها را به آنها یاد داده باشیم. یا به عنوان پدر و مادر آنقدر از دست رفته و فروریخته بودیم که فرزندان فقط خواستند از ما و این فضا فرار کنند.

کارگردان «پرنده کوچک خوشبختی» گفت: فیلمسازان دغدغه‌مند باید شناسایی شوند و مسئولان اجازه دهند آنها با فراغ بال و آرامش خاطر، فیلم‌های خوب و تاثیرگذاری درباره خانواده بسازند و مسائل تربیتی و آموزشی را در آن لحاظ کنند. اکنون این گروه از فیلمسازان دارند به تنهایی بار فیلم ساختن در این زمینه را به دوش می‌کشند و اتاق فکری در این زمینه وجود ندارد و حمایت ویژه‌ای از سوی نهادهای سینمایی برای ساخت چنین آثاری صورت نمی‌گیرد. درحالی که باید ضمن ایجاد یک اتاق فکر، انگیزه‌های فیلم ساختن درباره خانواده را در فیلمسازان تقویت کرد. به نظرم بحث خانواده، بسیار مهم است و نباید باری به هرجهت، سراغ آن رفت.

علی رستگار - سینما